

بهروز سورن: یک مبارزه و چند جبهه – بخش سوم - نرخ پرنسیپ ها در دنیای چپ چقدر است؟



داستان بی بی سی فارسی و صدای آمریکا هم داستان وابستگی است. وابستگی به جریان سرازیر شدن بودجه ای است که از طریق وزارت امور خارجه بریتانیا و یا دولت آمریکا برای گردش کار رسانه ای بی بی سی فارسی و صدای آمریکا با دهها کارمندشان در نظر گرفته شده است. ارتباطات پشت پرده رسانه صدای آمریکا با جمهوری اسلامی که برآمد ارتباطات پشت صحنه جمهوری اسلامی با نمایندگان دولت و منافع آمریکاست نشاندهنده آلودگی این نهاد با نیت ضد مردمی این دول است. صدای آمریکا تا کنون حیاط خلوت سازگارا و فخرآور و نوری زاده و... غیره بوده است و هست. به تعبیری اینها در اشکال متنوع در چمنزار زاینده!! آنها جولان داده اند و مجموعا مجری و خدمتگذار سیاستهای آمریکا بوده و هستند.

جالب است که بدانیم در شرایطی که اشغال وال استریت از عناوین مهم رسانه های جهانی است، تلویزیون فارسی آمریکا با سماجت به سانسور آن پرداخته و از نامعلوم بودن!! خواسته های آن میگوید.

این رسانه ها دستگاههای تبلیغاتی نظم سرمایه داری هستند. ظهور برنامه پردازان در این رسانه ها نه اتفاقی است و نه از سر توانایی های تکنیکی و فنی و حرفه ای این افراد. این اشخاص بلحاظ شهرت خود و بواسطه ظرفیت های نرم و تشخیص سیاسی لُق خود به استخدام این رسانه در آمده اند. شرایط فعالیت آنها روی میز مذاکره قبلی تعیین میشوند. قول ها و قرار ها گذاشته میشوند و چارچوب تعیین میشود. میدان بازی را بودجه تعیین شده رسانه معین میکند. ساده لوحانه است چنانچه باور کنیم که نیت خیر دول انگلیس و آمریکا مبنای پیدایش این رسانه ها هستند.

پرسنل این رسانه ها از قواعد و چارچوبهای تعیین شده نمیتوانند عبور کنند. به نان شب شان بسته است. به تعبیری دیگر محیط تعیین شده این رسانه ها را میتوان به دایره ای تشبیه نمود که تمامی نقاط و محور های داخل آن مختصات کلی آن دایره را دارند.

نوشته ای از رادیو کوچه: نقل به معنی از گفته های آقای چالنگی

آقای هومن مجد. مترجم رسمی احمدی نژاد همزمان ارزیاب برنامه تفسیر خبر صدای آمریکا نیز بوده است!!

یار غار احمدی نژاد در رسانه فارسی آمریکا؟

جای تعجب نیست که در همین شرایطی که آمریکا بر طبل جنگ با ایران میکوبد و برکشتیهای جنگی اش در خلیج فارس میافزاید، معاملات بزرگ و میلیونی در خرید و فروش گندم صورت میپذیرد.

بی بی سی فارسی در ادامه پیگیری سیاستهای اربابانش و در فضائی که طبل جنگ بصدا در آمده بود از طریق وبلاگ خود گزارشگران!! دید و بازدید از ناوگان جنگی و نهادهای نظامی آمریکا و نمایشگاه تفنگ را در برنامه های خود قرار داده و قدرت و توانائی های جنگی این نهادها را تبلیغ میکرد و در وصف سفر های سیاحتی!! خبرنگار خود مینویسد.

در زمینه تبلیغات و فضا سازی برای افراد و نهادهای وابسته در صفوف اپوزیسیون نیز وظایف سنگینی!! بر عهده صدای آمریکا و بی بی فارسی قرار داشت. آلترناتیو سازی تبلیغاتی هر چند که کفگیر به ته دیگ خورده است.

بخشی از مطلب آقای منوچهر صالحی:

یکم آن که یک تیم هفت نفره گویا از 70 تن برای شرکت در این کنفرانس دعوت کرده بود، اما به روایتی فقط 20 تن از دعوت شدگان در این کنفرانس شرکت کردند. عکس ها و فیلم هایی که از این کنفرانس پخش شده اند، نشان می دهند که بیش تر صندلی های سالن کنفرانس خالی بودند. با این حال خبرنگار «صدای آمریکا» در 5 گزارش خود مدعی شد که در آن کنفرانس 70 تن حضور داشته اند. به عبارت دیگر، خبرنگار این برنامه درباره تعداد شرکت کنندگان این کنفرانس به مردم دروغ گفت

[tx_ttnews\[tt_news\]=17098&http://p111272.typo3server.info/10.html
&tx_ttnews\[backPid\]=23&
cHash=74dece366c8839a31767785ff4f8c3e2](http://tx_ttnews[tt_news]=17098&http://p111272.typo3server.info/10.html&tx_ttnews[backPid]=23&cHash=74dece366c8839a31767785ff4f8c3e2)

آمیزشی از پراگماتیسم و اپورتونیسم سیاسی

جای تاسف برای بخشی از اپوزیسیون چپ رادیکال در تبعید که در کمال نومیدی و یاس از ضعف خود ساخته، که نتیجه سکتاریسم ذاتی آن است، به تحولات خارج از اراده اش چشم دوخته، پناه میبرد و میدان را واگذار میکند.

سیاست سکوت این طیف در برابر وقایع سیاسی از جمله موسوی و کروبی، رضا پهلوی، پرویز ثابتی، کنفرانی اولاف پالمه و واشنگتن و ... را نیز میتوان در امتداد پراگماتیسمی قرار داد که در ادامه خود پتانسیل لغزیدن به اپورتونیسم سیاسی را داراست.

(فعلا رفسنجانی و خاتمی حکومت را نقد میکند، درباره آنها سکوت کنیم و با افشاگری تضعیف شان نکنیم!!)

هم اکنون اما می بینیم که خاتمی در انتخابات شرکت میکند و با دهن کجی به مردم حتی به جناح هایی از سبز ها پشت میکند و رفسنجانی با حقه بازی ذاتی خود در پست خود ابقا میشود و ... اما پیشتر ها گفته میشد که او هم نقد میکند و به او هم کاری نداشته باشیم.)

این منطق، منطق واگذاری است. منطق نومیدی و یاس است. این بینش نشان دگر دیسی بخشی از اپوزیسیون اصیل و رادیکال جمهوری اسلامی در تبعید است که به هر دلیلی در روش و منش پیشین خود بازنگری کرده است.

موسوی و کروی که دوران طلایی امام را خواب می بینند و با آن پیشینه که تا آرنج دستهایشان در دهه شصت خون آلود است، هرگز بشارت دهنده آینده ای بهتر و نوین نیستند. هم از اینرو میبایستی جبهه ای نیز برای آنها باز کرد. بخشی از چپ رادیکال در تبعید اما در مقام سازمانی و تشکل خود در اینباره سکوت میکند.

با تمام اینها اما شاهدیم که هر جا اعتراضی صورت گرفته است سرعت نور و متناسب با برخورد خشن حاکمان رادیکالیزه شده است. جنبش های خیابانی و شعارهای طرح شده از سوی معترضان گواه این ادعاست و بازگویی آنها مکرر خواهد بود.

مقوله انقلاب مقوله ای است بلحاظ تاریخی به درازای یک لحظه که میتواند در مدت زمانی کوتاهی همه چیز را زیر و رو کند. تعادل قوا را بهم بریزد و در کوتاه مدت صدها شکوفه دهد و آستن پرشمار نهادهای مردمی باشد. نهادهایی که تابع پراگماتیسم سیاسی نخواهند بود و همه نیازهای انسانی خود را مطالبه خواهند کرد. معطل چپ پراگماتیست هم نخواهند شد و از درون خود رهبران خود را بیرون خواهند داد. آتشی زیر خاکستر است.

این نکته همان کابوس رژیم و دول ذینفع خارجی که مشغول و متاثر از قراردادهای اقتصادی درازمدت و حیاتی و بهره بری از منابع ملی کشورمان است.

بر طبق گفته های آقای چالنگی ویدئو قتل ندا پخش نشد. ویدئویی که دنیا را تکان داد. اینکه امروز ایشان به افشاگری علیه صدای آمریکا میپردازد با سوالاتی نیز همراه است. آقای چالنگی به تعبیری خانه زاد این صداست و مدت های طولانی این رسانه را با حضور ایشان می شناختند. حال ایشان به هر دلیلی از مرکز اداری این رسانه کنار گذاشته شده است و دست به افشاگری میزند. سوال اینست که چرا دیروز نه و امروز؟ اینکه هومن مجد از دست اندرکاران صدای آمریکا مشاور و مترجم رسمی خاتمی و احمدی نژاد بوده است قطعا به زمانی بر میگردد که آقای چالنگی همراهی و همکاری با ایشان در این رسانه داشته اند. این ملغمه نشاندهنده این است که قدرتهای بزرگ امکانات و ابزار ارتباطی با مردم را در حین پارس کردن به یکدیگر در اختیار یکدیگر قرار میدهند. پیدا کنید ارتباط دست اندرکاران بی بی سی فارسی و صدای آمریکا را با جمهوری اسلامی؟

[feature=youtu.be&http://www.youtube.com/watch?v=9bnoBYII_zw](http://www.youtube.com/watch?v=9bnoBYII_zw)

این رسانه ها مشاوران استراتژیک دارند که حلقه های ارتباطی این رسانه ها با دولتهای مذکور هستند که همان منافع دراز مدت دولتهای مطبوعشان را دنبال می کنند.

دست اندرکاران دست چین شده این رسانه ها در پشت هیاهوی کار حرفه ای روزنامه نگاری و خبرنگاری اهداف سیاسی و نهائی تامین کنندگان انرا دنبال میکنند. رقیق نویسی و طرح شخصیت های سیاسی از طریق میکروفون دادن به آنها از امور روزانه آنهاست و در کنار آن خبر رسانی را بموازات برنامه گذاری سیاسی خود و دولت مطبوعشان را پیش میبرند. اینکه رسانه های مزبور بدلایل وابستگی مالی آزاد و مستقل نیستند بر همگان روشن است و حرفی تکراریست اما اینکه جنبش مستقل و تحول خواه بلحاظ بنیادین با کدام دیدگاه به آنها نظر دارد امریست که همواره شبیه ایجاد کرده است.

شخصیت های این طیف چشم امید به آنها دارند و تمایل و امید دارند که صدای آنان نیز در کنار شخصیت های پرداخته شده آنان، پژواک یابد؟

رسانه های اینچینی نقش کارگزاری منابع تامین مالی خود را دارند. تلاش آنها در بخش خبر رسانی نیز متأثر از سیاست گذاری های آنان است. تلاش آنها این است که بگویند ما مستقل خبر رسانی میکنیم و فعالیت ما حرفه ای است. حال آنکه ایجاد شبهه می کنند.

رسانه های مستقل از ابتدای اشغال افغانستان و سپس عراق همواره بر این اعتقاد و سیاست بودند که نیروهای متجاوز از صحن این دو کشور خارج شوند. به انتشار اخبار فجایع حملات نظامی به این دو کشور پرداختند حال آنکه این رسانه های وابسته مالی از انتشار اخبار و تصاویر مربوطه که در یوتیوب و رسانه های مستقل در خارج از کشور منتشر میشد، خودداری میکردند.

اخبار مربوط به سوء استفاده های کلان کمپانی های مالی تجاری غرب و فروش پنهانی تسلیحات جنگی و... در این رسانه ها یافت نمیشود. بعبارت دیگر این نهادهای رسانه ای امروزه به ماشینهای کارگزاری و جیره خواری دول غربی تبدیل شده اند.

زمانیکه جنبش های خیابانی در جریان بود و هر روزه بر تعداد کشته شدگان از جوانان و زحمتکشان کشورمان افزوده میشد بی بی سی فارسی از رقم سیزده یا پانزده فراتر نمیرفت. هر اس از یک تحول بنیادین و از پائین همان هر اس بود که تامین کنندگان مالیشان از سوی دول سرمایه داری غرب و کمپانی های غول پیکر مالی از انقلاب در ایران داشتند.

بر اساس نوشتاری که در سایت بی بی سی فارسی منتشر شد، دولت انگلیس (وزارت خارجه بریتانیا) در سالهای اخیر بودجه تعدادی از کشورهای فارسی زبان منطقه را قطع یا تنزل داده است حال آنکه همین بودجه را برای بی بی فارسی چندین برابر کرده است. آیا این نکته با تحولات اخیر ارتباطی ایران با جامعه بین المللی و ساخت راکتورهای اتمی ارتباطی دارد؟

با توجه به منابع مالی سرشار دول غربی که در اختیار این رسانه ها قرار میگیرد میتوان گفت که این رسانه ها در عرصه بهره بری از تکنولوژی ماهواره ای و تبلیغاتی بازار ارتباطی با مردم کشورمان را در اختیار گرفته اند. دهها هزار بیننده و شنونده روزانه ایرانی مخاطب آنهاست. بر اساس یک خبر تنها یکی از آنها هشتصد هزار عضو فیس بوکی دارد.

آیا همه اینها به معنی مردمی بودن و مستقل بودن این رسانه هاست؟ قطعاً نه و این موضوع در غیاب یک رسانه مرکزی مستقل از سوی تبعیدیان و نیروهای آزادی خواه و برابری طلب و متمیزه بودن رسانه های مستقل، با امکانات مالی، استخدامی و تکنیکی جدید مرتبط است.

تردیدی نیست که برای دریافت حقیقت میبایستی با یک چشم به واقعیت و با چشم دیگر به جزئیات آن نگاه کرد. قضاوت در مورد این رسانه ها بدون در نظر گرفتن منابع مالی آنها، سیاستگذاری عمومی و دراز مدت این رسانه ها و رفتار سیاسی خبری آنها، امکان پذیر نخواهد بود.

ضعف جبهه انقلاب و نافی حضور جمهوری اسلامی در بوجود آوردن قطب خبررسانی و ارتباطی مستقل به مردم کشورمان قطعاً بی تأثیر بر تک قطبی شدن این فعالیت خبررسانی به داخل کشور و انتشار اخبار واقعی نیست.

ارزش گذاری برای حضور پشت بلندگوی این رسانه ها از سوی برخی از شخصیت های چپ رادیکال نه از واقع بینی که از ناتوانی این طیف است. آنان که روی پای خود نمی ایستند و میدان را واگذار می کنند.

بهروز سورن

25.5.2012

sooren001@yahoo.de